

# پارادایم نوینی توسعه الگوهای رقابت پذیری در جهان

کورس صدیقی

اشاره

توسعه آن دوران قلمداد کرد.

بنابراین پارادایم توسعه در هر دوره‌ای عامل شکل دهنده و مشروط کننده فرصت‌های آن دوره محسوب می‌شود. از آنجایی که هر انقلاب فن‌آوری زمینه‌ساز تغییری متناظر در پارادایم توسعه است، شناخت ویژگی‌های دیدمان‌های مسلط در هر دوره‌ای شرط اصلی برای بازسازی و نوسازی، سازمان‌دهی مجدد و پذیرش و انطباق با تغییرات فنی و انجام نهادسازی‌ها و اتخاذ رویکردها و سیاست‌های متناسب با آن به شمار می‌رود.

تحول پارادایم توسعه طی دوران پس از جنگ جهانی دوم همراه با پیشرفت‌های فنی در کشورهای توسعه یافته صنعتی و ضرورت‌های اقتصادی-اجتماعی کشورهای در حال توسعه از دو مرحله مهم گذر کرده و اکنون به پارادایم جدید شبکه‌های انعطاف پذیر در عصر اطلاعات وارد شده است. استراتژی‌های تجاری-صنعتی راهبر جریان توسعه در کشورهای در حال توسعه در مراحل اول و دوم بر رویکردهای "جایگزینی واردات" با نقش غالب دولت و اتخاذ رهیافت‌های درون‌گرا و تحول آن به سیاست "توسعه صادرات" با هدایت و همکاری دولت و ایفای نقش غالب توسط بخش خصوصی و با ماهیتی برون‌گرا اتکا داشته است. در عصر کنونی پارادایم توسعه بر محورهایی چون آزادسازی اقتصادی، مشارکت بازار و دولت، توسعه سرمایه انسانی، ارتقاء ظرفیت‌های فناوری و نوآوری، رشد پیوسته مهارت‌ها، تمرکززدایی، ورود شبکه‌ها و زنجیره‌های فنی، تولیدی و تجاری بین‌المللی، تغییر نقش دولت از کارگزار و بازیگر اصلی توسعه به عامل راهبردی ایجاد شرایط مناسب برای ارتقاء رقابت پذیری ملی

تجربه‌های موفق کشورهای نوظهور صنعتی در سه دهه گذشته به روشنی نشان داده‌اند که جریان توسعه و پیشرفت‌های اقتصادی-اجتماعی و فرآیند نزدیک شدن به موقعیت کشورهای پیشرفته و برتر صنعتی در تمامی وجوه آن ناگزیر در گرو حرکت توسعه صنعتی و گسترش صادرات و به‌ویژه صادرات کالاها و صنعتی است. این تجربه‌ها هم‌چنین حکایت از آن دارند که اولاً الگوی واحدی برای توسعه به مفهوم انباشت ظرفیت‌های فیزیکی و فن‌آوری و ارتقای توان‌مندی‌های اجتماعی وجود نداشته و متناسب با مختصات زمانی برای جریان صنعتی شدن الگوهای متفاوتی مطرح و به کار گرفته شده است. ثانیاً در حرکت جهانی صنعتی شدن همراه با تحولات فناوری و پیشرفت‌های فنی، در هر دوره فرصت‌های تازه‌ای در اختیار همه کشورها قرار می‌گیرد. که هر گاه با نهادسازی‌های مناسب شرایط انطباق با این فرصت‌ها فراهم شود، کشورهای در حال توسعه راه‌های جدیدی برای رشد سریع، تغییر موقعیت و کاستن از فاصله با کشورهای پیشرفته صنعتی خواهند یافت و هر کشوری که بتواند در زمان مناسب و با سرعت بیشتر خود را با تحولات و رخدادها، منطبق و هماهنگ سازد خواهد توانست از فرصت‌های پیش آمده به گونه‌ای مؤثرتر برای تسهیل و تسریع جریان پیشرفت و توسعه بهره‌مند شود. ثالثاً از مجموعه شرایط فنی و فن‌آوری هر دوران و ساختار و پیکرندی‌های اقتصادی-سازمانی و نهادسازی‌ها و رویکردهای سیاسی غالب و هماهنگ با آن، مدلی برای پیشرفت شکل می‌گیرد که می‌توان آن را به تعبیری، پارادایم فنی-اقتصادی و دیدمان

در عرصه بازار جهانی و تسهیل کننده جریان ارتباطات بنگاه‌ها و نهادهای فراملی و پیوند آن با بخش خصوصی و بنگاه‌های داخلی استوار شده است.

### دیدمان‌های نوین توسعه تجاری - صنعتی در جهان

صنعت و تجارت جهان در دو دهه آخر قرن بیستم شاهد ظهور دیدمانی تازه در عرصه فن‌آوری و شکل‌گیری یک نظام فنی - اقتصادی متفاوت با دوره‌های پیشین بوده است. در این دیدمان، فن‌آوری‌های جدید با شیوه‌های مدیریتی و سازمان‌دهی‌های نوین صنعتی توأم شده و به پیدایی اشکال گوناگونی از پیوندهای درون بنگاهی و بین بنگاهی در سطح بین‌المللی منجر شده است. نقش دانش و دانایی در فرآیندهای تولیدی - صنعتی بسیار اهمیت یافته است و جریان مبادله اطلاعات بین کارگزاران و فعالان در حوزه‌های اقتصاد و صنعت گسترش چشم‌گیری پیدا کرده است. تغییرات فن‌آوری موجب شده است که روابط اقتصادی بین‌المللی دگرگون شود و با تحولاتی که در زمینه جریان‌های سرمایه، فن‌آوری، نیروی انسانی در زمینه تولید و همچنین مالکیت اطلاعات و حقوق دارایی‌ها رخ داده، الگوهای جدیدی از مزیت‌های نسبی در زمینه تولید و تجارت کالاها و صنعتی پدیدار شده است. اگرچه کانون اصلی پویای فن‌آوری و دگرگونی‌ها در جهان صنعتی متمرکز بوده و هست، اما کشورهای در حال توسعه به‌طور عام و ایران به‌طور خاص نیز ناگزیر در معرض این تحولات در مناسبات اقتصادی - صنعتی جدید قرار خواهند گرفت و تنها صورت انطباق با این شرایط و زمینه‌سازی برای جای گرفتن مناسب در نظام نوین تقسیم کار و همچنین ورود در شبکه‌ها و زنجیره‌های ارزش بین‌المللی است که می‌توانند جریان توسعه صنعتی خود را به پیش برده و از فرصت‌های تجاری - سرمایه‌گذاری گسترده‌ای که در عرصه اقتصاد جهانی ایجاد شده است، بهره‌مند شوند.

مهم‌ترین گرایش‌ها و ویژگی‌های توسعه صنعتی جهان ناشی از تحولات ایجاد شده در فضای نوین فنی - اقتصادی را می‌توان چنین برشمرد:

در زمینه تغییرات و پیشرفت‌های فنی و رقابت‌پذیری: در فرآیندهای نوین تولید صنعتی، بر سهم اطلاعات، دانش و خدمات افزوده شده و سهم مواد و نیروی کار کم‌مهارت در تولید بنگاه‌های صنعتی رقابت‌پذیر تقلیل پیدا کرده است. صنایع کلاسیک با تولید

همانند بازآرایی مجدد شده، مواد جدید و پیشرفته جای مواد سنتی را گرفته و تنوع محصول، مدیریت فرآیند، بازار یابی، فروش، تبلیغات و... اهمیت روز افزون در رقابت صنعتی پیدا کرده‌اند. مزیت‌های ناشی از فراهم‌بودن منابع طبیعی در الگوی رقابتی جدید جای خود را به امتیازات و برتری‌های ناشی از دانش و فن‌آوری داده‌اند. بدین ترتیب در فضای نوین اقتصاد جهانی با شکل‌گیری رقابت شدید و گسترده در بازار محصولات صنعتی، نوآوری، یادگیری، انعطاف‌پذیری، کیفیت محصول و هم‌چنین تولید محصولات نو و فرآیندها و خدمات جدید در تحقق رقابت‌پذیری، جایگاه ویژه‌ای یافته است و صنایع دانش‌بر و صنایع با محتوای فن‌آوری متوسط و برتر به حوزه‌های پیشتاز صنعتی تبدیل شده است.

در زمینه ظهور ساختارهای جدید سازمان‌دهی تولید: در سازمان‌دهی‌های نوین صنعتی - تجاری آرایش‌های سلسله‌مراتبی جای خود را به شکل‌گیری شبکه‌های درهم آمیخته تولیدی - فن‌آورانه داده است. خوشه‌های صنعتی، نواحی صنعتی، ائتلاف‌ها و پیمان‌های استراتژیک، ترتیبات پیمانکاری‌های صنعتی بلندمدت با عرضه‌کنندگان مواد، کالاها و واسطه‌ای، قطعات و... از مصادیق این نوع سازمان‌دهی است.

انقلاب در فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، امکان تفکیک مراحل تولید صنعتی و شکل‌گیری نظام‌ها و شبکه‌های تولید بین‌المللی را با مدیریت شرکت‌های فراملیتی فراهم آورده است. این مطلب فرصت‌های جدید را برای صنعتی شدن کشورهای در حال توسعه متناسب با امتیازات و برتری‌هایشان در قالب زنجیره‌های ارزش جهانی ایجاد کرده است.

در همین حال مشارکت بنگاه‌های صنعتی داخلی و خارجی برای در اختیار گرفتن فنون و دانش‌های لازم در راه توسعه صنعتی، شرایط جدیدی را برای ارتقای فن‌آوری و تحقق عملکردهای رقابتی مهیا ساخته است. از جمله تبعات مهم شکل‌گیری تولید بین‌المللی و سازمان‌دهی جدید، ظهور برتری‌های رقابتی براساس کارایی و بهره‌وری سیستمیک (و نه انفرادی) در قالب منظومه‌های بنگاهی است. تقویت نقش‌پذیری صنایع کوچک و متوسط در قالب خوشه‌های صنعتی و اتصال آن‌ها به مجتمع‌ها و صنایع بزرگ در زنجیره‌های تولید و تجارت جهانی نیز از نتایج همین آرایش‌های جدید صنعتی به شمار می‌رود.

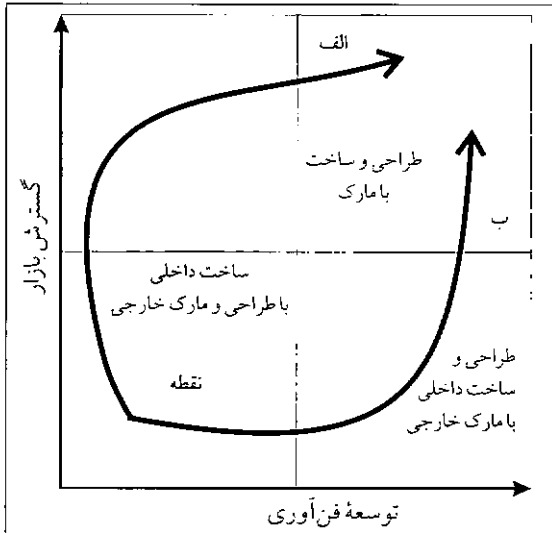
### ویژگی‌های زنجیره‌های ارزش جهانی

ویژگی‌ها	زنجیره‌های با رانش تولیدکننده	زنجیره‌های با رانش خریدار
پیشراننده زنجیره‌های ارزش	سرمایه صنعتی	سرمایه تجاری
فعالیت اصلی	تحقیق و توسعه، تولید	طراحی، بازاریابی
بخش‌های کالایی	کالاها، مصرفی، کالاها و واسطه‌ای، کالاها، سرمایه‌ای	کالاها، مصرفی با دوام
رشته‌های صنعتی نمونه	خودرو، رایانه، هواپیما	پوشاک، کفش، اسباب‌بازی
مالکیت	شرکت‌های فراملیتی	بنگاه‌های داخلی (عمدتاً در کشورها در حال توسعه)
پیوندهای اصلی در شبکه	سرمایه‌گذاری	تجارت

Source: Gereffi(1999)



## مسیرهای توسعه فن آوری و گسترش بازار



### الگوهای رقابت پذیری صنعتی - تجاری

کشورهای نوظهور صنعتی و موفق در توسعه صادرات کالاهای صنعتی عموماً شامل کشورهایی می‌شوند که از دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد با رویکرد برون‌گرا و معطوف به صادرات، حرکت‌های توسعه صنعتی - تجاری خود را با هدف نفوذ در بازارهای خارجی - که عمدتاً در اختیار کشورهای پیشرفته صنعتی قرار داشتند - تنظیم و به اجرا گذاشتند. اگرچه مرحله اول این حرکت را همان سیاست عمومی جایگزینی واردات تشکیل می‌داد، اما توجه به بازارهای خارجی با کاستن از میزان حمایت‌های تجاری و کوشش در جهت ایجاد واحدهای کوچک و بزرگ تولیدی با تأکید بر توسعه صادرات و افزایش رقابت‌پذیری در بازارهای هدف نیز از ابتدا مد نظر قرار گرفت. در فرآیند توسعه صنعتی و رشد صادرات این کشورها صرف‌نظر از استراتژی غالب و مشترک برون‌گرایی، الگوهای متفاوتی (متناسب با شرایط جغرافیایی، برخورداری از منابع طبیعی، امکانات گسترش ظرفیت‌های فنی، جمعیت و اندازه بازار و ...) از نظر میزان دخالت‌های مستقیم دولت در توسعه صنعتی، درجه باز بودن به روی واردات و سرمایه‌گذاری خارجی و نیز نوع سازمان‌دهی بنگاهی (کوچک، متوسط و بزرگ) به کار گرفته شد که براین اساس می‌توان چهار گروه متمایز را به شرح زیر مطرح کرد:

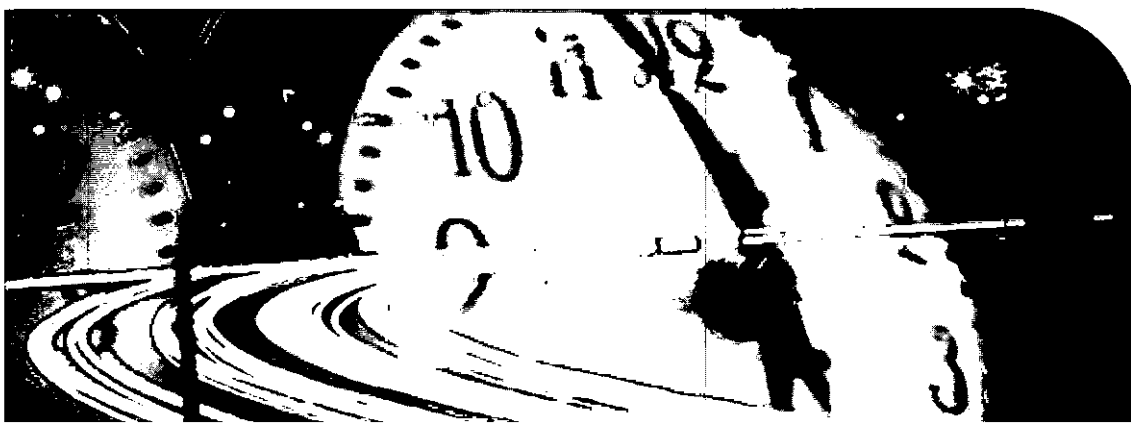
۱- الگوی رقابت‌پذیری مستقل با مشخصه‌هایی چون توسعه توان‌مندی‌های بنگاه‌های داخلی، شروع از فعالیت‌های ساده و تعمیق سریع جریان صنعتی، کاربرد گسترده سیاست‌های صنعتی در حوزه‌های تجارت، تأمین مالی، آموزش، فن‌آوری و

در زمینه دیدمان و راهبردهای نوین توسعه صنعتی: در استراتژی‌های نوین توسعه صنعتی ایده‌های خودکفایی، خود اتکایی، درون‌نگری، جایگزینی واردات و ... با راهبردهای برون‌نگر معطوف به ادغام و هم‌پیوندی با اقتصاد جهانی و نیز جایگزینی مناسب در مجموعه‌ها و شبکه‌های تولیدی - تجاری بین‌المللی جایگزین شده و به‌کارگیری سیاست‌های فعال در جهت بهره‌برداری از مزیت‌های مکانی متناسب با الزامات الگوی جدید رقابت به منزله عنصر مهمی در راهبردهای صنعتی مطرح شده است.

در انطباق با رژیم‌های نوین تجارت و سرمایه‌گذاری در جهان، رویکردهای سیاست‌گذاری صنعتی نیز دستخوش تغییر شده و سیاست‌های تبعیضی - گزینشی جای خود را به سیاست‌های کارکردی مبتنی بر ایجاد فضای مناسب و ارتقای توان‌مندی‌های صنعتی داده است. در این راهبردها اگرچه ظرفیت‌سازی هنوز عامل مهم رشد و توسعه صنعتی محسوب می‌شود، اما به واسطه الزامات رقابت‌پذیری، مطلب ارتقای قابلیت‌های رقابتی صنایع برای نفوذ در بازارها و شبکه‌های بین‌المللی از اولویت بالایی برخوردار شده است. به‌کارگیری ضوابط رشد و توسعه پایدار و ملاحظات زیست‌محیطی و همچنین تکیه بر پیمان‌های منطقه‌ای به منزله عامل مهمی در توسعه صنعتی کشورها در هدف‌ها و سیاست‌گذاری‌های ملی مورد تأکید قرار گرفته است.

در زمینه انتقال فن‌آوری: در تحولات دو دهه اخیر در فضای صنعتی جهان مسأله انتقال فن‌آوری - به‌ویژه در مورد کشورهای در حال توسعه - از سرعت و سهولت بیشتری برخوردار شده است. علل این دگرگونی را می‌توان در مواردی به شرح زیر خلاصه کرد:

- اشاعه و گسترش فناوری انفورماتیک و ارتباطات و دسترسی سهل‌تر به اطلاعات صنعتی
- وجود رقابت شدید در بازارهای بین‌المللی و افزایش شمار عرضه‌کنندگان فن‌آوری
- اتکای بیشتر فن‌آوری به پایه‌های علمی - به جای تجربی، مهارتی - و افزایش سرعت توسعه فن‌آوری
- افزایش گزینه‌های انتخاب فن‌آوری به واسطه کثرت فناوری‌های در دسترس
- افزایش آهنگ احاطه به فن‌آوری‌های پیچیده و امکانات سهل‌تر برای استفاده از آن در تولید محصولات صنعتی (تیلور دانش در تجهیزات و ابزارها و نرم‌افزارهای صنعتی و کاسته شدن از وزن عامل تجربه و مهارت در انتقال فن‌آوری)



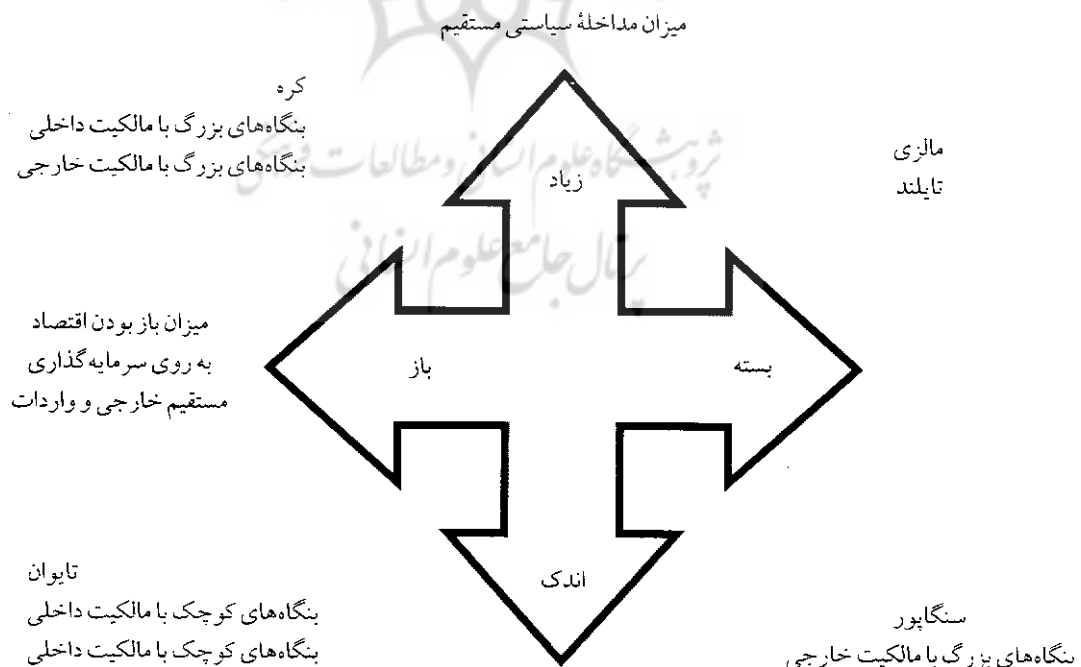
فن آوری و در مجموع اتکای به شیوه جلب و جذب، هدفمند کردن و هدایت سرمایه گذاری خارجی در راستای توسعه صادرات. مثال این مورد کشور سنگاپور است که در آن درجه و میزان دخالت مستقیم دولت و هم زمان باز بودن بازار به روی واردات و سرمایه خارجی، از دیگر کشورهای مشابه بیشتر بوده است.

**۳- الگوی وابستگی انفعالی به سرمایه گذاری خارجی با** مشخصه‌هایی چون پیوند با شرکت‌ها و سرمایه‌های خارجی به منزله پیش رانه اصلی توسعه صنعتی - تجاری، اتکاء گسترده به نیروهای بازار به منزله عامل ارتقاء ساختار اقتصادی - صنعتی و رشد توان‌مندی‌های فنی همراه با افزایش دستمزدها، ابزارهای اصلی این الگو ایجاد محیط و رژیم مناسب برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی، ایجاد انگیزه‌های قوی برای صادرات، تقویت این الگو پیشین، همانا تأکید کمتر آن به مطلب ارتقاء مهارت‌ها و توان‌مندی‌های فن‌آوری داخلی و انفکاک و جدایی بخش صنعتی داخلی از بخش صادراتی با نقش غالب شرکت‌های بین‌المللی بوده است. نمونه‌های مشخص این الگو کشورهای مالزی، اندونزی، تایلند و فیلیپین و هم چنین مناطق ویژه اقتصادی چین و حوزه‌های تجاری و مناطق آزاد مکزیک هستند. هنگ‌کنگ را نیز می‌توان تا اندازه‌ای در شمار به‌کارگیرندگان این انگاره قرارداد که میزان اندک دخالت مستقیم دولت، باز بودن کامل بازار به روی واردات و سرمایه خارجی و ترکیبی از شرکت‌ها و بنگاه‌های کوچک داخلی و شرکت‌های بزرگ خارجی با ساختار صنعتی متفاوت از یکدیگر، هم‌خوانی نزدیک با این الگو دارد.

انتخاب و اولویت‌گذاری در ساختارهای صنعتی، کاربرد محدودیت‌های گزینشی و تبعیضی در زمینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی همراه با اتخاذ رویکردهای تشویقی و غیرانفعالی در مورد واردات فن‌آوری و... در قالب رژیم تجاری معطوف به صادرات و با تکیه بر ارج نهادن و پاداش دادن به عملکردهای مثبت صادراتی و تقویت مستمر بنگاه‌هایی که در این مسیر حرکت فعال داشتند. مثال مشخص این الگو کشورهای کره و تایوان هستند که در کره میزان دخالت‌های مستقیم دولت به مراتب بیشتر از تایوان بوده و سازمان‌دهی بنگاهی نیز در کره از نوع بنگاه‌های بزرگ داخلی و در تایوان از نوع بنگاه‌های کوچک داخلی بوده است. اتکای این دو کشور در قیاس با دیگر کشورهای موفق در حوزه صادرات - به‌طور نسبی - به سرمایه‌گذاری خارجی کمتر بوده است.

**۲- الگوی رقابت‌پذیری وابستگی راهبردی به سرمایه گذاری خارجی** با مشخصه‌هایی چون پیوستن به شبکه‌های جهانی شرکت‌های فراملیتی، کوشش برای ارتقاء فعالیت‌های این بنگاه‌ها با اتخاذ سیاست اولویت‌گذاری‌های استراتژیک، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها به فعالیت‌های با ارزش افزوده بالا و ایجاد زمینه مناسب برای شرکت‌های وابسته خارجی در جهت ارتقاء فن‌آوری کارکردهای صنعتی - تجاری از طریق دخالت‌های گسترده در بازار عوامل تولید از جمله گسترش مهارت‌ها، نهادسازی، توسعه زیربنایها، حمایت از شبکه عرضه مواد و کالاها، تشویق نهادهای تحقیق و توسعه و پیشرفت

### رویکردهای سیاستی و ساختارهای صنعتی در کشورهای منتخب



## رشد ارزش افزوده و صادرات صنعتی در جهان

بر حسب شدت فناوری ۲۰۰۰-۱۹۸۰

(نرخ رشد متوسط سالانه - درصد)

کشورهای در حال توسعه	کشورهای پیشرفته صنعتی	جهان	فعالیت
ارزش افزوده صنعتی			
۵/۴	۲/۳	۲/۶	کل ارزش افزوده صنعتی
۴/۵	۷/۸	۲/۳	ارزش افزوده صنعتی بسته به منابع طبیعی
۳/۵	۷/۴	۱/۷	ارزش افزوده صنعتی - فن آوری پایین
۶/۸	۲/۶	۳/۱	ارزش افزوده صنعتی - فن آوری متوسط و برتر
صادرات صنعتی			
۱۲/۰	۶/۶	۷/۶	کل صادرات صنعتی
۶/۷	۵/۲	۵/۶	صادرات صنعتی بسته به منابع طبیعی
۱۱/۴	۸/۴	۷/۴	صادرات صنعتی - فن آوری پایین
۱۶/۵	۷/۳	۸/۴	صادرات صنعتی - فن آوری متوسط و برتر
۲۰/۲	۹/۹	۱۱/۵	صادرات صنعتی - فن آوری برتر

Source: Calculated from UNIDO and Comtrade Data

از بررسی تحولات ساختاری که در ترکیب تجارت جهان رخ داده و هم چنین با بررسی روند تغییرات گروه‌های کالایی که بر حسب شدت فن آوری طبقه‌بندی شده است و بیکربندی جغرافیایی این دگرگونی‌ها پاره‌ای گرایش‌های مهم از دیدگاه رقابت‌پذیری مطرح می‌شود که مهم‌ترین آن عبارتند از:

- رشد صادرات عموماً با ارتقای فن آوری و حرکت به سوی تولید و صدور محصولات پیچیده‌تر و با شدت فن آوری بیشتر و هم چنین افزایش کیفیت و کارآمدی فعالیت‌های صادراتی موجود همراه بوده است. گذشته از این گرایش جایگاه‌های مناسب تولید متضمن انتقال از بخش‌های با رشد کند به بخش‌های پویا و بالنده از عناصر اصلی استراتژی رقابت‌پذیری کشورها بوده است. اکثر صادرکنندگان موفق در گروه کشورهای در حال توسعه فرآیند گسترش و تعمیق صنعتی شدن توسعه صادرات‌شان را از محصولات و کارکردهای ساده آغاز کرده و به تدریج و طی زمان اما به گونه‌ای پیوسته (همراه با ارتقای کیفیت محصولات صادراتی که تولید می‌کرده‌اند) به سوی تولید و صدور محصولات و عهده‌دار شدن کارکردها و فعالیت‌های با محتوای فن آوری بالاتر حرکت کرده‌اند.

- عملکردهای برتر بدون گسترش و تعمیق توانمندی‌های صنعتی در داخل، خطر ناپایداری را در فرآیندهای توسعه صنعتی

## ۴- الگوی بازاریابی صنایع جایگزینی واردات که

مهم‌ترین مشخصه آن تکیه بر رشد صادرات از طریق توانمندی‌های رقابتی ایجاد شده در صنایع جایگزین واردات (که در گذشته احداث شده بودند) است. ابزار اصلی سیاستی در این زمینه، آزادسازی تجاری و انگیزه‌های قوی صادراتی و در مورد پاره‌ای از کشورهای آمریکای لاتین که در این الگو قرار می‌گیرند، استفاده از امتیازات موافق‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای بوده است. اعمال این سیاست‌ها سبب ارتقاء، نوسازی، بازاریابی و توسعه این صنایع و شبکه‌های تأمین‌کننده مواد و کالاهای مورد نیاز آن‌ها شده است. در پاره‌ای از کشورها، عوامل اصلی پیشرفت، بنگاه‌های داخلی و در پاره‌ای دیگر شرکت‌های فراملیتی بوده است و تفاوت این الگو با "الگوی رقابت‌پذیری مستقل" همانا فقدان سیاست صنعتی روشن و هماهنگ برای توسعه رقابت‌پذیری صادراتی و هم چنین پشتیبانی بدون طرح و برنامه (غیر سیستماتیک) و غالباً ضعیف‌تر در زمینه توسعه مهارت‌ها و فن آوری و ایجاد زیربنای نهادی مناسب بوده است. چین و هند در آسیا و برزیل و آرژانتین در آمریکای جنوبی از نمونه‌های بارز این الگو محسوب می‌شوند.

باید یادآور شد که به کارگیری این الگوها برای طبقه‌بندی کشورهای مختلف صرفاً درون مرزهای تعریف شده مشخص قرار نمی‌گیرد و در جریان پویایی صنعتی و تغییرات فناورانه و رویکردهای جدید صنعتی بسیاری از کشورها ویژگی‌های ترکیبی الگوها را پیدا کرده و حرکت آن‌ها نیز به سوی انگاره‌های واحدی که ویژگی اصلی آن پیوند با شبکه‌های ارزش جهانی است معطوف شده است.

در مجموع، توسعه صنعتی سال‌های بعد از جنگ در کشورهای در حال توسعه و ورود تدریجی کشورهای نوظهور صنعتی به جرگه کشورهای پیشرفته، زمینه‌های گسترش بازار، شمار عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات و رقابتی شدید را در عرصه اقتصاد جهان فراهم آورده است. در عین حال با پایان جنگ سرد و دگرگونی‌های رژیم‌های سیاسی در اروپای شرقی و مرکزی که اکنون در پی استقرار اقتصادهای مبتنی بر بازار هستند و هم چنین ابراز علاقه به بازار و آزادی اقتصادی در چین و گرایش‌های آزادسازی اقتصادی در هند زمینه‌های ادغام این کشورها (با حدود نیمی از جمعیت کره ارض) در اقتصاد جهانی فراهم شده است. در همین حال تحول در ساختار تولید جهانی، که در شکل‌گیری آن فن آوری‌های جدید، تغییر در الگوهای تقاضا و عوامل لوژیستیکی، شیوه‌های تازه سازمان‌دهی، رقابت شدید در سطح جهانی و ضرورت مکان‌یابی مناسب برای استقرار فعالیت‌های تولیدی و هم چنین اتخاذ رویکردهای نهادی - سیاستی و قواعد و ترتیبات جدید بین‌المللی دخالت داشته، موجبات دگرگونی عمیق‌تری را در الگوهای تجارت کالایی و انگاره‌های رقابت‌پذیری فراهم آورده است.

به همراه دارد و بدون توسعه عناصر ساختاری مؤثر بر عملکردهای صنعتی، به کارگیری این الگو، اقتصادهای مورد نظر را در بلندمدت در معرض آسیب پذیری ناشی از فرسایش رقابت پذیری (در شرایط افزایش دستمزدها و تغییرات فن آوری) قرار می دهد و سرانجام عملکردهای صنعتی پایین تر از حد توانایی های صنعتی عموماً معلول فضای نهادی و مقرراتی نامناسب و بی ثباتی اقتصادی بوده است.

● اتصال به شبکه های تولیدی - تجاری - فناورانه بین المللی از عوامل مهم ارتقای توانمندی ها و رشد و رقابت پذیری صنعتی محسوب می شود. در همین حال شرکت های فراملیتی نقش و سهم عمده ای را در عملکرد صادراتی کشورهای صادرات کننده برتر در جهان به ویژه در حوزه صدور کالاهای پویا و بالنده در تجارت جهانی عهده دار بوده اند و این نقش در سال های اخیر گسترش یافته است. سهم بنگاه های خارجی وابسته به شرکت های فراملیتی در صادرات صنعتی چین ۴۴ درصد (سال ۲۰۰۱)، در مالزی ۴۹ درصد (سال ۱۹۹۵)، در جمهوری کره ۱۵ درصد (سال ۱۹۹۹)، در تایوان ۱۷ درصد (سال ۱۹۹۴)، در سنگاپور ۳۸ درصد (سال ۱۹۹۹) در مجارستان ۸۶ درصد (سال ۱۹۹۹) و در مکزیک ۳۱ درصد (سال ۲۰۰۰) و در ایرلند ۹۰ درصد (سال ۱۹۹۹) بوده است.

#### نقش شرکت های وابسته به بنگاه های فراملیتی

##### در صادرات شش کشور منتخب

اقتصاد (سال)	کل صادرات سال ۲۰۰۰ میلادی (میلیارد دلار)	سهم شرکت های وابسته خارجی در کل صادرات فراملیتی	سه شرکت صادرکننده اول سال ۲۰۰۰ میلادی (میلیارد دلار)
چین (۲۰۰۱)	۲۷۹/۶	۵۰	سامسونگ الکترونیکس آی بی ام نوکیا
مکزیک (۲۰۰۰)	۱۸۰/۴	۳۱	آی بی ام دایملر کرایسلر جنرال موتورز
مجارستان (۱۹۹۹)	۲۵/۵	۸۰	فولکس واگن آی بی ام فیلیپس الکترونیکس
جمهوری کره (۱۹۹۹)	۱۵۰/۴	۱۵	امکور فن آوری نوکیا چیپ پک
ایرلند (۱۹۹۸)	۵۲/۵	۹۰	اینتل دل کامپیوتر مایکروسافت
کاستاریکا (۲۰۰۰)	۶/۷	۵۰	اینتل دلفورد دلتمت

Source: UNCTAD, World Investment Report, 2003.

الف: رقم فقط دربرگیرنده صادرات کالاهای صنعتی است. رقم کل صادرات ایرلند در این سال ۶۴/۶ میلیارد دلار بوده است.  
ب: سهم در صادرات کالاهای صنعتی.

اهمیت رقابت پذیری و نفوذ در بازارهای جهانی به ویژه از آن باب است که رشد تقاضای (حقیقی) داخلی و اتصال به تقاضای بین المللی دو عامل تأثیرگذار در تحول صنعتی بلندمدت کشورها به شمار می رود. در عین حال موفقیت در زمینه ورود به بخش هایی از تولید صنعتی که از دیدگاه تقاضای جهانی و رشد آن دارای پتانسیل های قابل ملاحظه اند و هم چنین رشته ها و گروه های کالایی که دارای ارزش افزوده بالا و رشد بهره وری سریع اند، به طور طبیعی امکانات گسترده تری را برای استفاده از بازده صعودی و بازارهای وسیع فراهم می آورد. با ملاحظه این مطلب جای گرفتن مناسب در نظام جدید تقسیم کار بین المللی و ورود به حوزه های برتر تولید و تجارت کالاهای صنعتی ناگزیر از الزامات مهم توسعه و رقابت پذیری صنعتی به شمار می آید.

#### گروه بندی عملکردهای صنعتی - تجاری در کشورهای

##### نخواسته

در فرآیند رشد اقتصادی و توسعه صنعتی - تجاری از آغاز انقلاب صنعتی قرن هجدهم تا امروز و به ویژه طی نیم قرن اخیر جریان انباشت سرمایه های فیزیکی و انسانی، پیشرفت های فنی و رشد بهره وری، گسترش بازارهای داخلی و خارجی همواره نقشی مهم و اساسی داشته است. براساس بررسی هایی که در زمینه روند رشد و توسعه صنعتی، انباشت سرمایه، تجارت و تغییرات ساختاری در کشورهای در حال توسعه در آسیا و آمریکای جنوبی در دو دهه آخر قرن بیستم انجام شده است مجموعه این کشورها را می توان در پنج گروه به شرح زیر طبقه بندی کرد:

● گروه نخست شامل کشورهای نخواستار صنعتی پیش گام در شرق آسیا و به ویژه دو کشور کره و تایوان است که از دیدگاه انباشت سریع سرمایه، رشد اشتغال، بهره وری و تولید صادرات صنعتی به درجه های چشم گیری از توسعه و بلوغ صنعتی دست یافته اند. سهم تولید صنعتی در تولید ناخالص داخلی این دو کشور فراتر از ارقام متناظر در کشورهای پیشرفته صنعتی است. دلیل این وضعیت ورود کشورهای پیشرفته صنعتی به مرحله فراصنعتی و سهم غالب بخش خدمات در تولید ملی آنها است. گروه کشورهای نخواستار صنعتی پیش گام نیز در شرایط کنونی به تدریج در مسیری قرار گرفته اند که آهنگ گسترش ظرفیت ها و تولید صنعتی آنها در مقایسه با دهه های پیشین کاستی گرفته و احتمالاً تا یکی دو دهه آینده به وضعیتی مشابه کشورهای پیشرفته نزدیک خواهند شد.

● گروه دوم شامل کشورهایی است که جریان صنعتی در تولید ناخالص داخلی این کشورها روندی رو به افزایش دارد و هم زمان گرایش توسعه صنعتی آنها از محصولات متکی به منابع طبیعی و کار طلب به محصولات با فن آوری متوسط و برتر در حال تغییر و تحول است. مالزی و تایلند از نمونه های پویا و برجسته این گروه محسوب می شوند. چین و تا حدود کمتری هند نیز در زمره همین گروه از کشورها با ویژگی "رشد صنعتی شتابان" قرار می گیرند.

● گروه سوم شامل کشورهایی است که وجه غالب گرایش

صنعتی شدن آن‌ها گذار از وابستگی به صادرات کالاهای نخستین از مسیر ادغام سریع در شبکه‌های تولید بین‌المللی در حوزه‌های صنعتی مونتاژ و کار طلب است. ویژگی ممتاز این کشورها از دیدگاه سرمایه‌گذاری، افزایش ارزش افزوده صنعتی و رشد بهره‌وری و هم‌چنین رشد اقتصادی در مجموع ضعیف‌تر از گروه‌های پیش‌گفته است. مکزیک و فیلیپین نمونه‌های بارز این گروه از کشورها هستند.

در تولید ملی‌شان یا ثابت مانده (مورد چین) و یا افزایش یافته (مورد مالزی). در همین حال این‌گونه حالات مرزی بین گروه دوم (کشورهای با رشد شتابان صنعتی) و گروه چهارم (کشورهای با رشد بطنی و کند صنعتی) نیز وجود دارد. وضعیت ترکیه بیشتر مشابه کشورهای با رشد شتابان صنعتی است در حالی که وضعیت ایران عمدتاً دربرگیرنده ویژگی‌هایی است که برای گروه چهارم برشمرده شده است.

**نماگرهای تولید و تجارت در چند کشور منتخب (ارقام به درصد)**

کشور / اقتصاد	نسبت ارزش افزوده صنعتی به تولید ناخالص داخلی					نسبت صادرات صنعتی به مجموع کالاها و خدمات
	۱۹۶۰-۱۹۶۹	۱۹۷۰-۱۹۷۹	۱۹۸۰-۱۹۸۹	۱۹۹۰-۲۰۰۰	۱۹۸۰-۱۹۹۰	
آرژانتین	۳۸/۶	۳۵/۳	۲۹/۳	۲۰/۳	۲۵/۹	۲۶/۴
برزیل	۲۸/۲	۳۰/۰	۳۲/۶	۲۳/۷	۴۴/۲	۴۶/۸
شیلی	۲۳/۸	۲۴/۲	۱۹/۷	۱۸/۰	۶/۶	۱۰/۶
چین	۲۹/۰	۳۷/۳	۳۵/۸	۳۴/۰	۶۷/۵	۷۸/۰
مصر	..	۱۵/۷	۱۴/۶	۱۷/۸	۷/۸	۱۰/۰
هند	۱۳/۶	۱۵/۳	۱۶/۴	۱۶/۴	۱۶/۲	۵۵/۴
اندونزی	۹/۰	۱۰/۴	۱۵/۱	۲۲/۸	۲۹/۶	۴۵/۱
مالزی	۹/۵	۱۶/۸	۲۰/۳	۲۷/۳	۲۷/۷	۶۳/۰
مکزیک	۲۰/۱	۲۲/۷	۲۳/۲	۲۰/۶	۲۹/۳	۶۲/۳
پاکستان	۱۴/۳	۱۵/۹	۱۶/۰	۱۶/۶	۵۳/۳	۷۳/۴
فیلیپین	۲۰/۴	۲۵/۷	۲۵/۰	۲۳/۲	۱۸/۱	۴۷/۷
کره جنوبی	۱۶/۵	۲۵/۰	۲۹/۸	۲۹/۵	۸۱/۶	۷۷/۵
تایوان	۱۶/۷	۲۸/۴	۳۴/۴	۲۸/۹	۸۱/۸	۸۱/۹
تایلند	۱۴/۲	۱۹/۰	۲۳/۵	۲۸/۸	۳۰/۶	۵۶/۷
ترکیه	۱۲/۷	۱۳/۴	۱۸/۷	۱۸/۳	۴۵/۲	۴۴/۹
ونزوئلا	۱۵/۴	۱۶/۱	۱۹/۵	۱۷/۴	۵/۴	۱۱/۰

Source: UN/DESA, Commodity Trade Statistics Database; World Bank, World Development Indicators, 2002; and Thomson Financial Datastream.

بررسی تطبیقی عمل کرد اقتصادی کشورها از دیدگاه توسعه صنعتی، رشد بهره‌وری، تغییرات ساختاری و ترکیب تجارت کالایی، مبین تفاوتی نمایان بین وضعیت کشورهای آمریکای جنوبی و آسیای شرقی است، به گونه‌ای که گروه نخست در مقایسه با گروه اخیر عمل کرد به مراتب ضعیف‌تری داشته‌اند. اصلاحات سیاسی در کشورهای آمریکای لاتین که در دو دهه آخر قرن بیستم با محوریت آزادسازی، حرکت به سوی بازار و افزایش کارایی انجام شده است، اگرچه وضعیت آن‌ها را نسبت به دهه ۱۹۸۰ میلادی بهبود بخشیده است، اما به‌طور عمقی نتوانسته است نارسایی‌های ساختاری اقتصاد آن‌ها را برطرف سازد و در نتیجه امکان شکل‌گیری فرآیند انباشت سریع سرمایه و تغییرات

● گروه چهارم شامل کشورهایی است که به سطح مشخصی از توسعه صنعتی دست یافته‌اند اما از دیدگاه حفظ آهنگ گسترش و تعمیق فرآیند صنعتی شدن نتوانسته‌اند به یویایی و سرعت اولیه توسعه ادامه دهند و در نتیجه از لحاظ عملکرد سرمایه‌گذاری، سهم اشتغال و ارزش افزوده صنعتی با افت نسبی روبه‌رو شده‌اند. رشد بهره‌وری در این کشورها حالت نوسانی داشته و افزایش آن در مقاطع زمانی مشخص بیشتر ناشی از تغییر در شمار نیروی کار شاغل (و نه انباشت سرمایه و پیشرفت فنی) بوده است. در این کشورها ارتقای توانمندی‌های صنعتی محدود مانده و صادرات کالاهای ساخته شده آن‌ها هم‌چنان در حوزه تولید محصولات متکی به فرآورده‌های نخستین با ارزش افزوده پایین ادامه یافته است. هم‌چنین این کشورها در برخی از رشته‌های صنعتی مانند هوا-فضا، تولید خودرو و تجهیزات حمل و نقل سنگین به پیشرفت‌هایی دست یافته‌اند، اما این پیشرفت‌ها در حدی نبوده است که بتواند به یک عامل محرک پویا در بخش صنعت آن‌ها تبدیل شود. برزیل و آرژانتین دو کشور نمونه از این گروه کشورهای در حال توسعه صنعتی محسوب می‌شوند. برخی از کشورهای خاورمیانه و آفریقایی نیز از لحاظ کند بودن جریان پیشرفت صنعتی و تغییرات ساختاری در این گروه قرار دارند، اگرچه سطح توسعه صنعتی آن‌ها و بسیار پایین‌تر از کشورهای یاد شده است.

● گروه پنجم شامل کشورهایی است که از طریق بهره‌برداری از منابع غنی طبیعی خود و هم‌چنین آهنگ سریع سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه نتوانسته‌اند به یک جریان مداوم رشد اقتصادی دست یابند، اما عملکرد صنعتی آن‌ها هم از لحاظ ارزش افزوده صنعتی و هم از لحاظ صادرات صنعتی، ضعیف بوده و چشم‌انداز تغییرات ساختاری و رشد بهره‌وری در آن‌ها محدود می‌نماید. شیلی، نماینده بارز توسعه صنعتی در این گروه به شمار می‌رود.

باید یادآور شد که با ملاحظه عوامل چندگانه‌ای که در این طبقه‌بندی مدنظر قرار گرفته است، کشورهایی که در یک گروه خاص رده‌بندی شده‌اند گاهی هم‌زمان پاره‌ای از خصصت‌ها و ویژگی‌های یک یا چند گروه دیگر را نیز دربردارند. در گروه کشورهای با رشد شتابان صنعتی، عملکردهای صنعتی دو کشور چین و مالزی، با ورود در شبکه‌های تولید بین‌المللی به گونه‌ای متحول شده است که در آن صادرات صنعتی با سرعتی به مراتب بیشتر از ارزش افزوده صنعتی افزایش یافته و از این لحاظ وضعیت آن‌ها با کشور مکزیک مشابهت دارد. از همین روی رشد بهره‌وری در بخش صنعت آنها سریع‌تر بوده و در نتیجه سهم ارزش افزوده

فن آوری را متناسب با الزامات و چالش های درهم آمیزی در نظام تجارت جهانی با آهنگی شتابان مشابه شرق آسیا فراهم آورد. با این وجود در مجموعه کشورهای آمریکای لاتین، گروه کشورهای بالای خط پاناما که از بازار گسترده ایالات متحده و کانادا و هم پیوندی با این بازار و موافقت نامه های تجارت آزاد منطقه ای بهره مند شده اند، نسبت به کشورهای زیر این خط (کشورهای بزرگ آمریکای لاتین) حداقل از دیدگاه تجاری از وضعیت بهتری برخوردارند. (مثال: کشور مکزیک).

### سیاست های صنعتی در شرق آسیا

اقتصاد	دهه ۱۹۵۰	دهه ۱۹۶۰	دهه ۱۹۷۰	دهه ۱۹۸۰	دهه ۱۹۹۰
چین	۱۹۶۵-۷۶	۱۹۷۷-۷۸	دهه ۱۹۸۰ آزادسازی در توسعه زیربنای ساحلی (صنایع سبک)	دهه ۱۹۹۰ توسعه زیربنای	دهه ۱۹۹۰ توسعه زیربنای و فن آوری های برتر
هنگ کنگ	۱۹۵۰- توسعه صادرات (آزادی اقتصادی همراه با گسترش آموزش، زیربنای و ایجاد نهادهای پشتیبان برای توسعه صادرات)	۱۹۷۹- تقویت نهادهای پشتیبان صنعت و توسعه صنعتی	دهه ۱۹۹۰ توسعه نهادهای پشتیبان معطوف به ارتقای فن آوری		
اندونزی	۱۹۶۷-۷۳	۱۹۷۴-۸۵	۱۹۸۶- آزادسازی توسعه صادرات	جایگزینی واردات	توسعه صادرات
ژاپن	۱۹۵۰-۵۸	۱۹۵۹-	۱۹۶۷- آزادسازی توسعه صادرات	اواسط دهه ۱۹۸۰ مقررات زدایی	بین المللی شدن اقتصاد ژاپن
کره جنوبی	۱۹۶۱-۷۲	۱۹۷۳-۷۹	۱۹۸۰- آزادسازی توسعه صادرات (با جهت گیری گسترش نوآوری)	۱۹۸۰- آزادسازی (رژیم های تجاری، مالی و سرمایه گذاری)	دهه ۱۹۹۰ مقررات زدایی از اواسط دهه ۱۹۸۰ (با جهت گیری گسترش نوآوری)
مالزی	۱۹۵۰-۷۰	۱۹۷۱-۸۵	۱۹۷۱-۸۵ تداوم جایگزینی واردات با توسعه صادرات	۱۹۸۶- آزادسازی	تداوم جایگزینی واردات
فیلیپین	۱۹۵۰-	تداوم جایگزینی واردات	دهه ۱۹۸۰ آزادسازی (بی ثباتی سیاسی)	دهه ۱۹۹۰ تداوم آزادسازی (بهبود شرایط بی ثبات سیاسی)	تداوم آزادسازی (بهبود شرایط بی ثبات سیاسی)
سنگاپور	دهه ۱۹۵۰	دهه ۱۹۶۰ تا دهه ۱۹۸۰	توسعه صادرات	استقلال راهبردی (فن آوری برتر و خدمات) منطقه گرایی	توسعه صادرات (بخشی از مالایا)
تایوان	۱۹۵۳-۵۷	۱۹۵۸-۸۰	توسعه صادرات	۱۹۸۶- آزادسازی	توسعه صادرات
تایلند	۱۹۶۱-۷۱	۱۹۷۱-۸۶	۱۹۷۱-۸۶ (کالاهای سرمایه ای، شروع ۱۹۸۱)	توسعه صادرات (کالاهای سرمایه ای، شروع ۱۹۸۱)	توسعه صادرات فن آوری برتر

Source: Masuyama, Vanderbrink, and Chia. 1997. Industrial Policies in East Asia. Nomura Institute of Southeast Asian Studies, Tokyo Club Foundation for Global Studies: table 1.1.